

**ایران** و عربستان هر کدام با دلایل خاص خودشان توافق و بازگرداندن و بازفعال‌سازی سطحی از روابط را مقید برای کشور و منطقه در نظر گرفته‌اند که به آغاز آن رضایت دادند، به گونه‌ای که بتواند مقدمه راهگشایی در پرونده‌های غرب آسیا هم باشد اما این امر لزوماً به معنای تغییر ماهیت روابط تهران و ریاض نیست و صرفاً جابه‌جایی تاکتیکی شکل خواهد گرفت و رقابت‌ها و اختلاف‌ها با احتمال تغییرات محدود همچنان باقی خواهد ماند

**نگاهی به‌متغیرهای تعیین‌کننده گفت‌وگوهای تهران–ریاض؛ مذاکراتی که فعلا پیشرفت ملموسی نداشته‌است**

# مذاکره در شرایط جنگی



**سمیرا کریمشاهی**؛ اولین خبرها از آغاز مذاکرات عربستان و ایران در سال جاری به منظور از سرگیری روابط دیپلماتیک طرفین، در میان موجی از تحرکات عادی‌سازی روابط میان دولت‌های منطقه مانند مصر، ترکیه، قطر، امارات و سوریه در بهار سال جاری منتشر شد تا اینکه مقامات عراقی به عنوان میزبان این مذاکرات اخبار را تایید کردند. ۳ دور مذاکرات در زمان دولت دوازدهم در بغداد انجام شده و با وقفه‌ای به دلیل انتقال دولت در ایران، با برگزاری دور چهارم آن در مدت اخیر، مذاکرات طرفین از سر گرفته شده است.

ایران و عربستان به عنوان بازیگران سنتی منطقه به اقتضای منافع خود هیچ‌گاه سطح روابط با ماهیت همکاری‌جویانه و متحد را تجربه نکردند و به عنوان رقبای دیرینه، در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی به ایفای نقش پرداخته‌اند که در بیشتر مواقع به دلیل گستردگی سطح تضاد منافع روابط این ۲ کشور حالت دشمن‌واره به خود گرفته است. ردپای سعودی‌ها در بسیاری از فتنه‌سازی‌های تجزیه‌طلبانه درباره خاک ایران و حمایت از رسانه‌هایی که به عوامل تهدید بقا و استقلال ایران دامن می‌زنند، غیرقابل کتمان است. همچنین کمپین‌های فعال در زمینه تحریم ایران که در آمریکا مستقر هستند، در تأمین مالی خود روی حکام جنوب خلیج فارس حساب باز می‌کنند.

با این همه اقدامات تنش‌زای عربستان دلیلی برای قطع کامل روابط با این کشور نیست و نیاز است برای کنترل و مدیریت رفتارهای خارج از قاعده سران سعودی برای برقراری سطحی از روابط و ایجاد کانال‌های ارتباطی تلاش کرد که این امر نه تنها برای ایران، بلکه برای یافتن راه‌حلی در بسیاری از چالش‌ها و بحران‌های منطقه‌ای شمر ثمر خواهد بود؛ همان گونه که حسین امیرعبدللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان در آخرین اظهارات خود در رابطه با تحولات مذاکرات تهران-ریاض در حاشیه سفر خود به بیروت گفته است از این مذاکرات استقبال می‌کنیم. زیرا ایران و عربستان ۲ کشور مهم هستند و نقش آنها در برقراری امنیت و ثبات منطقه بسیار مهم است. از طرف دیگر

## درخواست ریاض از تهران برای واسطه‌گری در زمینه پیشروی‌های انصارالله

## التماس سعودی به ایران

**گروه سیاسی:** نیروهای ارتش یمن و کمیته‌های مردمی این کشور در ماه‌های اخیر بویژه طی یک ماه گذشته، پیشروی‌های گسترده، سریع و قابل توجهی در استان مأرب داشته‌اند. روز گذشته نیز منطقه «العبدیه» در جنوب مأرب پس از مدت‌ها محاصره به طور کامل به دست دولت انصارالله فتح شد. در این میان یک وب‌سایت یمنی به نقل از منابع عراقی نوشتش هیأت سعودی در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با طرف ایرانی، خواسته است تهران برای توقف پیشروی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن واسطه شود.

به گزارش «وطن امروز»، وبسایت خبری «الخبیر الیمنی» به نقل از منابع کشور عراق در خبری آورد هیأت مذاکره‌کننده عربستان سعودی مقیم در بغداد برای مذاکره با هیأت ایرانی، از مقامات تهران درخواست کرده است جهت توقف پیشروی نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن واسطه شوند؛ این منابع همچنین گفتند هیأت ایرانی نیز در پاسخ گفته است درخواست ریاض را به اطلاع وزارت امور خارجه ایران و مقامات دیپلماتیک در تهران خواهد رساند. این پایگاه خبری نوشت: این اقدام در حالی است که عربستان به دنبال از سرگیری روابط با ایران است و دیدارهایی میان مسؤولان عالی‌رتبه ۲ کشور در پایتخت عراق در حال برگزاری است.

با آنکه هنوز نتایج کاملی از ۴ دور مذاکره بین ایران و عربستان منتشر نشده و فیصل بن‌فرحان هم در کنفرانس خبری خود در واشگتن گفت گفت‌وگوها با تهران دوستانه بوده اما پیشرفت ملموسی نداشته است؛ منابع غربی از نیاز مبرم عربستان به این مذاکرات و احیای روابط با تهران می‌گویند.

در این گزارش ادعا شده در پی تغییراتی که در روابط عربستان با کشورهای غربی به وجود آمده است، ریاض اخیرا هیاتی بلندپایه به ریاست عادل الجبیر به بغداد فرستاده است تا درباره از سرگیری روابط با تهران رایزنی کند. همچنین فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان اخیرا ضمن تایید برگزاری ۴ دور مذاکره میان تهران و

فیصل بن‌فرحان، وزیر خارجه سعودی هم فضای مذاکرات را در عین حالی که چندان پیشرفتی نداشته اما دوستانه توصیف کرده است. بیشتر اخبار غیررسمی در گمان و پیش‌بینی‌ها، نخستین اقدام توافقی بین ۲ طرف را بازگشایی کنسولگری‌ها اعلام می‌کنند. فراتر از روابط دو جانبه، تقابل این دو کشور در پرونده‌های منطقه‌ای باعث می‌شود با نگاه مثبتی گفت‌وگوهای تهران و ریاض دنبال شود و در صدر رخدادهای مهم منطقه قرار بگیرد. در ادامه چندین مورد از این

اختلاف‌ها را بررسی می‌کنیم. شاید مهم‌ترین پرونده‌ای که باعث شده سران سعودی را از «نه» قاطع به مذاکره تا گرایش به آن در وضعیت چرخش موضع قرار دهد، جنگ یمن باشد. در جبهه جنوب، «توافق ریاض» میان امارات و عربستان به بن‌بست رسیده و نیروهای تحت حمایت ۲ کشور به بالاترین سطح اختلافات در چند سال اخیر رسیده‌اند که در سایه آن باعث بروز بحران معیشتی برای مردمی شده است که در مناطق تحت اشغال نیروهای تحت امر ۲ کشور زندگی می‌کنند و بیش

از پیش بی‌کفایتی نیروهای دولت مستعفی منصور هادی را نمایان کرده است. دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل در تذکری اعلام کرده کاهش ارزش پول در مناطق اشغالی جنوب یمن ناامنی غذایی را تشدید می‌کند، زیرا میلیون‌ها نفر در حال حاضر قادر به تهیه غذا نیستند. در جبهه شمال ارتش یمن و نیروهای مردمی عملیات «مارب» را دنبال می‌کنند که با آزادسازی کامل مأرب، عملا شکست ائتلاف سعودی را هم تکمیل خواهند کرد، لذا عربستان در دنبال راه‌حل سیاسی از طریق ایران به عنوان حامی دولت نجات ملی یمن و جبهه انصارالله است تا بتواند حداقل نوعی خروج از پرونده یمن را رقم بزند تا از میزان ضربیه‌ای که با این شکست به اعتبار سعودی

وارد می‌شود، بکاهد.

موضوع مهم دیگر، مساله فلسطین و روند عادی‌سازی روابط است که رژیم صهیونیستی با حکام عرب در پیش گرفته که امنیت جمعی منطقه را به مخاطره می‌اندازد و حساسیت ایران را برانگیخته‌است. تحلیل غالب درباره این‌که چرا عربستان تاکنون به قطعه اصلی دومیونی عادی‌سازی تبدیل نشده، حول شخص تهران و ریاض سعودی به عنوان مانع می‌چرخد. گفته می‌شود به رغم تمایل بن‌سلمان به عنوان گرداننده اصلی امر اول سعود اما ملک‌سلمان نسبت به عادی کردن روابط شروطنی دارد و همچنین اعتقاد شناسایی اسرائیل معادل خیانت به آرمان فلسطین را حفظ کرده و در کنار آن نگران از بین رفتن وجهه معنوی عربستان در جهان عرب که خود را خادم حرمین شریفین معرفی می‌کند، است. البته ولیعهد سعودی در مصاحبه با مجله آتلانتیک در سال‌های گذشته نظر اصلی سعودی را با اعلام نظر خود درباره مساله فلسطین فاش کرده که مدعی بود هم فلسطینی‌ها و هم اسرائیلی‌ها(ا) نسبت به سرزمین‌های مورد

مناقشه صاحب حق هستند. در پشت پرده مقدمات عادی‌سازی روابط با صهیونیسم در جریان است تا سعودی هم به دیگر شیوخ جنوب خلیج‌فارس بپیوندد که با باز کردن پای اسرائیل به خلیج‌فارس، امنیت منطقه را زیر سؤال می‌برند. تاکنون گزارش‌های متعددی منتشر شده که بن‌سلمان علاقه‌مند به همکاری با شرکت‌های جاسوسی و امنیتی اسرائیلی است و برای شهود تلفن شهروندان و جمع‌آوری اطلاعات از کاربران با این همکاری دارد. همچنین در جریان جمع‌آوری سامانه‌های پاتریوت آمریکایی از عربستان اخباری منتشر شد که سعودی‌ها تمایل دارند برای تنوع‌بخشی به سبد تسلیحاتی خود با اسرائیل وارد معامله شوند. در جدیدترین اقدام در راستای عادی‌سازی

روابط اعلام شد عربستان به گروه فیلمسازی اسرائیلی اجازه داده از کوه «الوز» در استان «تبوک» به عنوان لوکیشن فیلمی که برای زندگی حضرت موسی می‌سازند، استفاده کنند. در عراق و سوریه تلاش‌های ایران به منظور بازگردان امنیت و پشت سر گذاشتن جنگ‌هایی که به این ۲ کشور تحمیل شد، برنامه‌های محور سعودی را که پشتیبان و حامی مالی گروه‌های تکفیری و تروریستی بودند، با شکست مواجه کرد، از این رو در دوره کنونی قصد دارند در میدان سیاست ایران را محدود کنند. هر چند بازگشت دولت سوریه به جمع کشورهای عربی و روند عادی‌سازی‌های روابط با دمشق که این روزها قوت گرفته، اتفاق مطلوبی است اما بخشی از اهداف کشورهایی مانند عربستان و امارات به منظور از سرگیری روابط با دولت سوریه و استحکام‌بخشی به تعاملات با عراق، محدود کردن ایران در غرب مدیترانه است. می‌توان گفت در عراق تمرکزی برای کاهش سهم ایران از سهم همکاری در زمینه انرژی وجود دارد؛ یعنی حوزه‌ای که بخش عمده‌ای از تبادلات تجاری تهران– بغداد را دربر می‌گیرد. بتازگی امارات قراردادی برای ساخت ۵ نیروگاه جوی ۲۰۲۰ یک کمیته ویژه بین ۲ کشور با هدف بحث درباره پرونده‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری تشکیل دادند. بر اساس ارقام سازمان آمار عربستان، حجم مبادلات تجاری غیرنفتی با عراق در سال ۲۰۲۰ با رقم حدود ۹۱۰ میلیون دلار ۱۵ درصد افزایش یافته است. بیشتر مبادلات تجاری بین ۲ کشور از طریق گذرگاه زمینی «هرعر» انجام می‌شود که نوامبر سال گذشته به منظور مبادله تجاری بین ۲ کشور همسایه، پس از ۳۰ سال تعطیلی، بازگشایی شد. همچنین عربستان بشدت علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تأمین برق عراق است

و تاکنون مذاکرات متعددی بین هیات‌های عراقی و سعودی در این زمینه انجام شده است. در سوریه، امارات خود را به بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشور در جهان عرب تبدیل کرده است. هر چند عربستان در زمینه عادی‌سازی روابط با دمشق محتاطانه عمل می‌کند اما چراغ سبز محور سعودی-اماراتی به اردن برای از سرگیری روابط با سوریه و رایزنی با مصر برای امضای قرار دادن ترکیه بر سر پرونده سوریه در مذاکرات عادی‌سازی روابط قاهره– آنکارا، نشان از آن دارد که شیوخ جنوب خلیج‌فارس به دنبال باز کردن فضای کشتگری برای خود در زمینه سوریه‌اند. البته با وجود تضاد منافع با ایران و تمایل به محدودسازی کشورمان، مرزهای شمالی سوریه و رایزنی با مصر برای نمایان می‌کند و آن هم مخالفت شدید با ترکیه برای حضور نظامی و اشغالگرانه خود در این منطقه است که می‌تواند به موضوعات قابل هماهنگی در مذاکرات ریاض– تهران در پرونده منطقه‌ای تبدیل شود.

قطعا موضوعات مهم و متعدد دیگر از جمله حضور آمریکا در منطقه، دولت و قدرت حاکمیت در لبنان، تحرکات در دریای سرخ، حضور در مدیترانه و امنیت خلیج‌فارس بر شمار اختلافات ایران و عربستان می‌افزاید که ممکن است هر کدام بنا بر اولویت‌بندی طرفین بخشی از رایزنی‌های دو جانبه را به خود اختصاص دهد اما بدیهی است برای برقراری حداقلی روابط دیپلماتیک نیازی نیست در تمام پرونده‌های مورد نظر به نتیجه و جمع‌بندی بر سر نوع و سطح کشتگری طرفین رسید. از طرف دیگر نبایدانتظار داشت سرانجام گفت‌وگوهای ۲ کشور، پیشرفت چندپله‌ای در سطح روابط باشد، در واقع ایران و عربستان هر کدام با دلایل خاص خودشان توافق و بازگرداندن و بازفعال‌سازی سطحی از روابط را مقید برای کشور و منطقه در نظر گرفته‌اند که به آغاز آن رضایت دادند، به گونه‌ای که بتواند مقدمه راهگشایی در پرونده‌های غرب آسیا هم باشد اما این امر لزوماً به معنای تغییر ماهیت روابط تهران و ریاض نیست و صرفاً جابه‌جایی تاکتیکی شکل خواهد گرفت و رقابت‌ها و اختلاف‌ها با احتمال تغییرات محدود همچنان باقی خواهند ماند.



بر اساس اظهارات رسانه‌های تابع ائتلاف سعودی در مأرب، فروپاشی جبهه‌های غربی و جنوبی مأرب، ائتلاف سعودی را ناچار به انتقال اتاق فرماندهی خود از مأرب به شهر سینور در استان حضرموت کرده است. پیش از این ائتلاف سعودی در حال آماده‌سازی مراکز جدید خود در شهر عتق، مرکز استان شوبه برای فرماندهی عملیات در یمن بود اما پیشروی انصارالله در مدیریت‌های بیحان، عسیلان و مرخه العلیا مانع اجرای این جابه‌جایی شد و شهرهای حضرموت جایگزین مرکز استان شوبه شدند.

**■ شکست‌های مستمر عربستان در سیاست خارجی**

با اینکه یمن بارزترین مصداق شکست سعودی‌ها در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای خود است، با بررسی نقشه‌های این کشور در نقاط دیگر منطقه نیز به می‌توان به شکست‌های دیگر رژیم سعودی پی برد. در ۵ سال گذشته، عربستان به پشتوانه دولت ایالات متحده به ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، موضعی هجومی در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد. در آن زمان مقامات ارشد سعودی در سخنرانی‌های خود تهدیدهای گسترده‌ای را علیه ایران روانه می‌کردند اما اوضاع آنچنان

دوشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۰  
وطن‌امروز | شماره ۳۳۲۸

### سیاسی

#### اخبار

نگاهی به پایه‌ست‌های سیاست خارجی دولت سیزدهم

**عدالت، رکن اقتدار آفرینی**

**یونس مولایی:** آغاز به کار دولت سیزدهم در میانه موجی از بیم و امید عمومی بود. از نسویی بخش بزرگی از جامعه ایران با نیت ترمیم شرایط موجود و نزدیک شدن به موقعیت مطلوب رو به انتخاب گزینه‌ای آوردند که وعده «امکان تغییر شرایط» را می‌داد و بخش دیگری از جامعه نیز که اساسا دلسرد و سرخورده از حوادث سال‌های اخیر بودند، به صندوق‌های رای پشت کردند. در میان چنین بیم و امید، سیدابراهیم رئیسی به عنوان هشتمین رئیس‌جمهور کشور راهی ساختمان پاستور شد تا آنچنان که بارها در ایام تبلیغات انتخاباتی وعده داده بود، شرایط داخلی کشور را به سامان نسبی رسانده و موقعیت بین‌المللی ایران را که در سایه دیپلماسی نامناسب دولت‌های یازدهم و دوازدهم ضربه خورده بود، احیا کند؛ مأموریتی که هر چند دشوار به نظر می‌آید اما می‌تواند به تغییر مسیر آتی کشور منتهی شود.

با این اوصاف یکی از مغفول‌ترین مباحثی که دولت سیزدهم و در اس آن شخص رئیس‌جمهور باید به آن توجه داشته باشد، عدم تفکیک ساخت قدرت در مناسبات داخلی و خارجی است و تعامل صحیح و اقتدارآفرین میان آورده‌های داخلی و خارجی است. نخبگان سیاسی کشور هنوز فراموش نکرده‌اند رویکرد تقلیل‌گرایانه سیاست خارجی دولت قبل تا جایی این تعامل را مختل کرد که عملا یک جامعه شرطی در فضای داخلی کشور گرفت، جامعه‌ای که حتی خرده‌ترین کشش‌های خود را در قالب واکنش به اخبار و مناسبات خارجی تنظیم می‌کرد.

فهم چنین واقعیتی و مدیریت صحیح آن پیش از هر چیز نیازمند یک سیاست‌گذاری همه‌جانبه از سوی دولت‌نردان و اقیاع عمومی از سوی اهالی رسانه و گروه‌های مرجع سیاسی است. برای نمونه در یک دهه اخیر بارها این گزاره تکرار شده که انعکاس سیاست خارجی را می‌توان در رفاه داخلی دید. هر چند در صحت این گزاره نمی‌توان شکی وارد کرد اما شدت تکرار آن باعث شده عملا متغیرهای دیگر چندان به چشم نیفتد. از جمله این واقعیت که توفیق دیپلماسی نیز تا حد زیادی مرهون و معلول سیاست‌های داخلی یک کشور است. برای نمونه در یک موقعیت فرضی و برابر ۲ دولت تحریم شده‌ای را در نظر بگیرید که قصد مذاکره با دشمنان خود برای رفع تحریم‌های‌شان را دارند (در این موقعیت فرضی تمام برگ‌های برنده هر ۲ دولت را یکسان می‌پنداریم)، در دولت اول گسسل‌های اجتماعی تا حدی فعال شده است که هر آن می‌توان انتظار شورش خیابانی را داشت، فساد به بالاترین سطح خود رسیده، دولت عملا ابتکار عمل خود را در مواجهه با تحریم‌ها از دست داده و هیچ امکانی برای تبادلات خارجی در شرایط تحریمی نیندیشیده اما در دولت دوم الگویی توزیع عادلانه منابع باعث شده هر چند تحریم خارجی به کشور فشار آورده اما اولیات زندگی همگان کماکان تامین باشد، دولت پشتوانه مردمی حداکثری داشته باشد و نهایت با ابتکار عمل‌هایی مختص شرایط تحریم بخش زیادی از فشار اقتصادی آن مهار شده باشد. ناگفته نپیداست در چنین شرایطی دولت دوم به رغم برگ برنده‌هایی یکسان، موقعیت ممتازی به نسبت دولت اول داشته باشد.

با این‌ن اوصاف احتمالا ۲ رویکرد مورد تاکید رهبر حکیمت انقلاب مبنی بر «خنثی‌سازی تحریم‌ها» و «پیوست عدالت»<sup>۱</sup> به تصمیم‌گیری‌های دولت را می‌توان ۲ رکن اصلی سیاست‌گذاری دولت جدید دانست که در عین بهبود شرایط داخلی به افزایش فرصت‌ها و دامنه اقتدار سیاست خارجی ختم می‌شود.

واقعیت آن است که هر قدر دولت سابق بر لزوم رفع تحریم‌ها تاکید داشت و این تاکید را تا به آنجا کشانده بود که شمار «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» را در میانه مذاکرات هسته‌ای طرح کرد اما نه میلی به خنثی‌سازی تحریم‌ها داشت و نه گفت‌مانش این اجازه را می‌داد که برای مساله عدالت در سیاست‌گذاری داخلی جایگاهی قائل باشد. حال آنکه در عمل تلاش برای تضعیف نظام تحریم‌ها و بی‌هدف کردن تحمیل آنها مقدمه‌ای برای از میان برداشتن گزینه جنگ اقتصادی می‌شود و حکمرانی عادلانه نیز اقتدارآفرینی می‌کند و با تقویت مناسبات داخلی باعث یک بازدارندگی قوی در مواجهه با فشارهای خارجی می‌شود. بر این اساس در شرایطی که نتایج رویکرد غلط دولت روحانی در تضعیف قدرت خارجی ایران و به بن‌بست کساندن موقعیت داخلی کشور تبدیل به درس عبرتی برای تاریخ شده است، از دولت جدید انتظار می‌رود با فهم صحیح این واقعیت که بخش بزرگی از قدرت چانه‌زنی خارجی را باید در عملکرد داخلی جست‌وجو کرد بیش از پیش، در پیگیری ۲ رویکرد مذکور تلاش کند.

**پاوقی**

۱– رفع تحریم دست دشمن است و خنثی کردن تحریم دست ما است؛ دشمن باید رفع تحریم کند اما خودمان می‌توانیم این تحریم دشمن را خنثی کنیم. پس این مقدم است، این درست است؛ بیشتر دنبال این باشیم، نمی‌گویم دنبال رفع تحریم باشیم؛ اگر بتوانیم تحریم‌ها را رفع کنیم، یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم، البته ۴ سال است تأخیر شده. اگر بتوانیم با روش درست تحریم را برطرف کنیم، باید برطرف کنیم اما به این نیندیشید؛ عمده به خنثی کردن تحریم بیندیشید که دست شما است. (دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی– ۹۹/۹/۲۶)

۲– هر تصمیمی که می‌گیرید باید یک پیوست عدالت داشته باشد. بخشنامه‌ها و مصوبات دولت پیوست عدالت داشته باشد. هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید باید یک پیوست عدالت داشته باشد. باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور ضربه به عدالت ززند، طبقات مظلوم را پایمال نکند. (دیدار اعضای هیات دولت سیزدهم – ۱۴۰۰/۶/۱۶)